

تهدیدات اسرائیل علیه خاورمیانه

مهدی بیکی^۱

چکیده

خاورمیانه به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، منطقه‌ای مهم و همواره مورد توجه دولت‌های جهان و قدرت‌های بزرگ بوده است و بسیاری از تحولات این منطقه مهم از جمله انقلاب اسلامی ایران، آثار ویژه‌ای در سطح جهان بر جای گذاشته است. این منطقه برای قدرت‌های توسعه طلب جهان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان یکی از علل پیدایش رژیم اسرائیل را در همین امر جست‌وجو کرد. امروزه اسرائیل مظهر اراده و خواست سیاست‌های توسعه‌طلبانه قدرت‌های استعماری است و تجزیه و تحلیل درباره سیاست‌های اسرائیل در منطقه، بازتابی از آن اراده سلطه جهانی است و اسرائیل به عنوان یک رژیم جعلی، خاورمیانه را در راستای اهداف نژاد پرستانه و توسعه‌طلبانه در معرض تهدیدات جدی قرار داده است.

در این تحقیق تهدیدات اسرائیل در دو سطح تهدیدات سخت و نرم مورد بررسی قرار گرفته است. اسرائیل به لحاظ نظامی و اقتصادی «تهدیدی سخت» بر علیه خاورمیانه محسوب می‌شود و به لحاظ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی «تهدیدی نرم» است که همواره توأم با جنگ روانی علیه کشورهای منطقه اعمال می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خاورمیانه، اسرائیل، امنیت ملی، تهدید سخت، تهدید نرم

مقدمه

تولد نامشروع اسرائیل در منطقه خاورمیانه، وضعیت پیچیده‌ای را از لحاظ امنیتی رقم زده و امنیت منطقه‌ای را با دشواری‌ها و موانع حاد و اساسی مواجه ساخته است. کشورهای خاورمیانه سال‌ها است که همواره در معرض تهدیدهای امنیتی این رژیم بوده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، از نظر تحلیل گران مستقل و منصف بین المللی، اسرائیل یکی از معضلات و تهدیدات اصلی در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل محسوب می‌گردد.

پژوهش‌های منطقه

شماره ۳ سال ۱۳۸۹ / ۱۳۱

معمولاً مطالعات امنیتی حول دو محور تهدید و تدبیر متمرکز است. در محور اول هر گونه تهدید خارجی که امنیت ملی را با معضل رو به رو می‌سازد بررسی می‌شود و در محور دوم همواره دو موضوع نیت و توانایی مطرح است و این پرسش‌ها عنوان می‌شود که، نیت یک کشور چیست و توانایی‌های آن برای انجام آن نیت‌ها به چه میزان است؟ در مطالعات نظری و سیاست‌های عملیاتی امنیت ملی، تدبیر امنیتی پاسخ به نیت قلمداد نمی‌شود؛ بلکه پاسخ به توانایی‌های صرف شده در راه این نیت محسوب می‌شود. اما در مورد تهدیدهای اسرائیل بر منطقه خاورمیانه توجه بر نیت این رژیم نیز دارای اهمیت اساسی است، چرا که خنثی کردن این نیت هم از بار تهدید آن می‌کاهد. این تحقیق، سوالات زیر را مورد بررسی قرار خواهد داد: ماهیت اسرائیل چیست؟ و چه تهدیداتی از جانب اسرائیل برای کشورهای منطقه وجود دارد؟

الف. مفاهیم و کلیات

۱. مفهوم تهدید (Threat)

تهدید عبارت است از عامل مخاطره آمیز نسبت به منافع یک بازیگر. به عبارت دیگر تهدید وقتی است که از سوی عاملی منافع عامل دیگر به مخاطره بیافتد. (افتخاری ۱۳۸۵، ص ۵۴) در بیانی دیگر تهدید به معنای هر چیزی که ثبات و امنیت یک کشور را به خطر اندازد، همچنین تهدید هر اقدام و تحرک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی که موجودیت و اهداف حیاتی فرد، نهاد یا کشوری را به خطر بیندازد، و نیز موانع و چالش‌هایی که ما را از رسیدن به هدف بازداشته و یا باعث کاهش سرعت ما در دستیابی به آن گردد اطلاق می‌گردد.

اگر امنیت ملی یک کشور را، شرایط و فضایی بدانیم که یک ملت در چارچوب آن می‌تواند اهداف و منافع ملی و حیاتی خود را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی حفظ نماید، با این تعریف امنیت ملی یا ارزش‌های حیاتی یک کشور دارای سه محور کلی خواهد بود:

الف. تمامیت ارضی؛ ب. ایده و الگوهای رفتاری؛ ج. حاکمیت سیاسی.

با توجه به توضیحات فوق منظور از تهدید، عنصر یا وضعیتی است که ارزش‌های حیاتی سه‌گانه یاد شده را به خطر اندازد. بنابراین می‌توان گفت، ساده‌ترین تعریف از تهدید، فقدان مفهوم دیگر، یعنی امنیت است، این وضعیت با به خطر افتادن ارزش‌ها و منافع حیاتی یک کشور به وجود می‌آید. (www.arnet.ir)

۲. انواع تهدید

تهدیدهای امنیت ملی را می‌توان به لحاظ هدف، اهمیت، ابعاد، موضوع، منبع، ماهیت و... در رهیافت‌ها و نظریه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد.

تهدیدهای سخت متکی به روش‌های فیزیکی، عینی، «سخت‌افزارانه» و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، براندازی آشکار، و با استفاده از شیوه زور و اجبار و حذف دفاعی و اشغال سرزمین است. این تهدیدها بیشتر محسوس، واقعی و عینی و با واکنش‌های فیزیکی همراه می‌باشد. ظهور این نوع تهدیدها مربوط به دوره استعمار کهن است که قدرت‌های استعماری با لشکرکشی، اعمال زور و کشتار و اشغال و الحاق سرزمین، هدف‌های خود را تأمین می‌کردند.

تهدید نرم را می‌توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی گردد. تهدید نرم، نوعی اعمال قدرت با روش‌های نرم‌افزارانه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تأثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم محقق می‌شود. به این معنی که باور، اندیشه و زیرساخت‌های فکری نظام سیاسی مورد آماج، تغییر می‌کند و در نتیجه، الگوی رفتاری آن کشور در محیط داخلی و خارجی دستخوش دگرگونی می‌شود.

تهدید نرم زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم، در حال تغییر و استحاله هستند. این نوع تهدیدها اغلب در ابعاد فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی رخ می‌دهند. برخی صاحب‌نظران، تهدیدهای نرم را بر مبنای فرایند «جهانی شدن» مورد تحلیل قرار داده و معتقدند این فرایند، زمانی برای یک کشور تهدیدآمیز است که باعث

تغییر ناخواسته ساختارهای اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و عوامل قوام‌بخش نظام سیاسی و فرهنگی آن کشور شود. (نائینی ۱۵۱، ۱۳۸۸-۱۳۱)

بنابراین تهدید نرم، تلاش برنامه‌ریزی شده برای بهره‌گیری از قدرت نرم (فرهنگ، دیپلماسی، سیاست خارجی، فرایندهای علمی و...) خود، برای اعمال نفوذ مستقیم و غیرمستقیم در نظام باورهای (سیاسی، فرهنگی و...) یک کشور، تحمیل اراده خود بر او و ایجاد تغییر در ارکان سیاسی و اجتماعی آن است. تهدیدهای نرم را به انواع زیر تقسیم می‌کنند:

۱- تهدیدهای فرهنگی (تهدیدهایی که معطوف به ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های فرهنگی است)؛

۲- تهدیدهای سیاسی (تهدیدهایی که معطوف به نهادها، ساخت‌ها و بنیان‌های سیاسی و حکومتی کشور است)؛

۳- عملیات روانی (تهدیدهایی که در پی مجاب‌سازی مخاطبان از درون و دست‌کاری آنان با استفاده از نمادهای گوناگون است)؛

۴- تهدیدهای جامعه‌شناختی (تهدیدهایی که معطوف به آداب و رسوم، الگوهای رفتار اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و جز آن است). (همان)

با این نگرش، همه اقدام‌هایی که باعث شود تا زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری یک نظام سیاسی به خطر افتد، یا باعث ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی (استحاله) در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور گردد، ماهیت تهدید نرم خواهد داشت. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن کشور را در ابعاد گوناگون، با روش‌های نرم‌افزارانه اشغال می‌کند. تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه، بحران در الگوهای رفتاری جامعه و بحران‌های پنجگانه سیاسی (هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع) را می‌توان به عنوان بخشی از مؤلفه‌های این تهدید نام برد. به عبارتی تهدید نرم تحمیل اراده و تأمین هدف‌های یک بازیگر از راه منابع قدرت نرم خود، به بازیگر دیگر، تلقی می‌شود.

۳. ماهیت رژیم اسرائیل

اصلی‌ترین منبع شناخت ماهیت وجودی رژیم صهیونیستی اسرائیل، کتاب تلمود است. این کتاب، مجموعه‌ای از شرح و تفسیرهایی است که خاخام‌های یهود، طی سال‌های متمادی، بر تورات نوشته‌اند. علما و احبار یهود، در پاسخ به شبهاتی که در باب تورات تحریف شده مطرح می‌شده و به اقتضای زمان، از پیش خود تاویل و تفسیرها، مفصل‌تر و حجیم‌تر شد و بتدریج جای تورات را گرفت. (دوست محمدی ۱۳۸۶، ص ۳۰)

آیت الله حسینی شیرازی، در این زمینه می‌نویسد: «خاخام‌های یهودی طی سال‌های متمادی شرح‌ها و تفسیرهای خود سرانه و گوناگونی بر تورات نوشتند که همه آن‌ها را خاخام «یوخاس» در سال ۱۵۰۰ میلادی جمع‌آوری نمود و به اضافه چند کتاب دیگر که در سال‌های ۲۳۰ و ۵۰۰م نوشته شده بود، به نام «تلمود»، یعنی تعلیم دیانت و آداب یهود، جمع‌آوری کرد.» (حسینی ۱۳۷۹، ص ۹۸)

عجاج نویهض، محقق مبارز و برجسته فلسطینی، درباره منشأ پیدایش تلمود و اهمیت آن می‌نویسد: «این کتاب هولناک در اصل چند مجلد بیشتر نبود، اما از هشت قرن پیش به ۱۲ مجلد افزایش یافت، و امروز به زبان انگلیسی شامل ۳۶ جلد در قطع وزیری می‌شود.» وی با ذکر این نکته که کار تالیف تلمود «حدود دو قرن پیش، پس از جمع‌آوری اسفار تورات آغاز شد»، اضافه می‌کند: «از بیست و دو قرن پیش، پس از جمع‌آوری اسفار و رواج آن و بازگشت از بابل، باب تورات بسته شد و تلمود با افسانه‌ها و اساطیر عجیب و غریب خود بر تورات فائق آمد و آن را تحت الشعاع خویش قرار داد (نویهض ۱۳۸۱، ص ۴۲)

علامه پولس حنا سعد، صاحب اثر معروف «هجمیه‌التعالیم الصهیونیه»، هم جایگاه تلمود در جامعه یهود و ماهیت شرارت آمیز آن را چنین بیان می‌کند: کتاب مسیحیان انجیل است که به وسیله آن جهانیان را تبشیر و موعظه می‌کنند و کتاب مسلمانان قرآن است که آن را در بین مردم دنیا نشر می‌دهند. اما یهودیان دارای دو کتاب هستند: یکی همان کتاب معروف تورات که به آن عمل می‌شود و دیگری کتابی است به نام تلمود که برای جهانیان ناشناخته می‌باشد. یهودیان این کتاب را بر تورات ترجیح می‌دهند و مخفیانه به مطالعه آن می‌پردازند. اساس همه بدبختی‌ها و مصیبت‌ها همین تلمود است (همان، ص ۵۹۲-۵۹۱)

وی در ادامه، جایگاه برتر تلمود در میان یهودیان و آموزه‌های کفرآمیز آن را، این گونه مورد تأکید قرار می‌دهد: «یهود تلمود را بالاتر از تورات و خاخام را برتر از خدا (پناه بر خدا) می‌شمارد. خداوند در حالی که سر پا ایستاده است، قرائت می‌کند و آنچه را خاخام می‌گوید او انجام می‌دهد. تعلیم علمای لاهوت در تلمود بهتر از کلام شریعت است و گناهایی که علیه تلمود صورت می‌گیرد، بزرگتر از گناهایی است که نسبت به تورات انجام می‌پذیرد.» (همان، ص ۵۹۳)

پیدایش تلمود و تأثیری که تعالیم شرک‌آلود آن در تغییر مسیر تاریخ بشر به بیراهه داشته است، بسیار مفصل و مطول است و ما در این نوشته مجال پرداختن به آن را نداریم. منظور ما از این مختصر، صرفاً تأکیدی است بر چند نکته مهم در باب تلمود

که رابطه مستقیم و موثر با شناخت مبانی فکری و ماهیت وجودی رژیم صهیونیستی اسرائیل دارد. (دوست محمدی ۱۳۸۶، ص ۳۲)

علامه پولس حنا مسعد، ارتباط تنگاتنگ تلمود و صهیونیسم را چنین توصیف می‌کند: «اگر خواننده بیدار و زنده باشد می‌فهمد که مراد از صهیونیسم تلمود است؛ زیرا، خاستگاه صهیونیسم تلمود می‌باشد. اصولاً تمام برنامه‌هایی که یهود برای تحقق بخشیدن به رویاهای خود، یعنی تاسیس یک اوتوکراسی دینی داودی- سلیمانی خودکامه حاکم بر جهان ریخته و ریزد از تلمود مایه می‌گیرد و پروتکل‌ها از روح تلمود جوانه زده است.» (نویهض ۱۳۸۱، ص ۵۹۴)

امروز مطالعه و شناخت تلمود از چند نظر حائز اهمیت بسیار است، زیرا همان طور که گفتیم، اولاً، این کتاب، که امروزه سرلوحه برنامه‌های یهود برای جهان می‌باشد، متن کتاب مقدس نیست، بلکه تاویل و تفسیرهای خودسرانه و دست و دل‌بازانه‌ای است که احبار یهود، به اقتضای زمان و به منظور روز آمد و کارآمدتر کردن عهد عتیق و نیز حفظ و تداوم سلطه جابرانه و کفرآلود خود بر غیر یهود نوشته‌اند و به همین جهت انحرافات و اشتباهات غیر قابل‌گذشتی در آن مشاهده می‌شود. ثانیاً، این کتاب امروز در جامعه یهود در جایگاه به مراتب فراتر از تورات قرار گرفته و این برای جامعه بشری یک فاجعه است. ثالثاً و از همه مهمتر، ماهیت و محتوای شرارت آمیز، فتنه انگیز و مصیبت بار این کتاب است که تاکنون جز جنگ، ترور و خشونت برای بشریت به ارمغان نیاورده است (دوست محمدی ۱۳۸۶، ص ۳۳). و، به راستی «تلمود انبار شرارت‌های یهود است» و «همه بذره‌های ناپاک و ناپاکی در تلمود است.» (نویهض ۱۳۸۱، ص ۴۲)

خداوند متعال در کتاب خود قرآن، آنان را با این آیات شناسانده است.

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾^۱

یهودیان و مسیحیان از تو خرسند نخواهند شد، مگر این که به آیین آن‌ها درآیی.

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾.

سرسخت‌ترین دشمنان برای مومنان، یهودیان و مشرکان هستند. (جدید بناب

۱۳۸۲، ص ۸۴)

﴿وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا بِحَرْفٍ مِنَ الْكَلِمِ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ (نساء، ۴۶) یعنی: از یهودیان کسانی

هستند که کلمات خدا را به معنی دگرگون می‌کنند

۱. بقره/آیه ۱۲۰؛ ترجمه ناصر مکارم: «هرگز یهود نصارا از تو راضی نخواهند شد (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنان شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی».

استاد شهید، مرتضی مطهری، در همین زمینه، می‌گوید: «در قرآن کریم، کلمه تحریف، [به کار رفته است] مخصوصاً در مورد یهودی‌ها که این‌ها قهرمان تحریف در جهان‌اند. نه امروز، از وقتی که یهودیت در دنیا به وجود آمده است. نمی‌دانم این چه نژادی است که تمایل عجیبی به قلب حقایق و تحریف کردن دارد و لہذا همیشه کارهایی را در اختیار می‌گیرند که در آن کارها بشود حقایق را تحریف و قلب کرد. من شنیده‌ام بعضی از همین خبرگزاری‌های معروف (داعی ندارم اسم ببرم) که رادیوها و روزنامه‌ها همیشه از این‌ها نقل می‌کنند، منحصرأً مال یهودی‌هاست. چرا؟ برای این‌که بتوانند قضایا را در دنیا طوری که دل خودشان می‌خواهد منعکس کنند و قرآن چه عجیب درباره این‌ها حرف می‌زند! این خصیصه یهودی‌گری که تحریف است، در قرآن به صورت یک خصیصه نژادی شناخته شده است.»^۱ (مطهری، ص ۶۷)

یکی دیگر از ویژگی‌های رفتاری یهودیان که در طول تاریخ به آن شهرت داشته‌اند، عدم پای بندی آنان به عهد و پیمان با غیر یهود است. آنان خود را قوم برگزیده خداوند بر روی زمین می‌دانند و دقیقاً به دلیل همین خوی و خصلت نژادپرستانه و برتری طلبانه‌ای که از آن رنج می‌برند، هیچ قوم و ملت دیگری را لایق آن نمی‌دانند که طرف قرارداد با یهودیان قرار گیرند. و این البته، ریشه در آموزه‌های دین یهود دارد. در تورات اوصافی برای خدا بر شمرده‌اند که به این پیمان شکنی مشروعیت می‌بخشد. به عنوان مثال، در تورات آمده است: «خدای تورات پیمان خود را می‌شکند». این خداوند «چیزی را می‌گوید و باز تغییر می‌دهد». و یا، «مار از او راست‌گوتر است زیرا مار راست می‌گوید و خدا دروغ می‌گوید.» و همین خدا «از آسمان‌ها به زمین آمده، بین کلام مردم تفرقه می‌اندازد چون از وحدت کلام آن‌ها می‌ترسد» (همان، ص ۳۷)

نژاد پرستی اسرائیل

یهودیان در طول تاریخ همواره یکی از نژاد پرست‌ترین اقوام بر روی زمین بوده‌اند. دلیل عهد شکنی‌ها و بی‌اعتنایی آنان نسبت به سایر ملل و اقوام هم این بوده است که آنان بر اساس آموزه‌های دین یهود، هیچ قومی را لایق هم‌پیمانی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با خود نمی‌دانسته‌اند. از نظر آنان، یهودیت، بیشتر از یک دین می‌باشد،

۱ به یاد داشته باشید که استاد شهید، این سخنان را در فروردین ماه ۱۳۴۸ هجری شمسی، یعنی نزدیک به چهل سال پیش، که در جهان اسلام و یا حداقل در ایران، کمتر کسی به خطر اسرائیل برای جهان پی برده بود، بیان کردند و وقتی امروز از زبان عزرائیل شامیر، نویسنده و روشنفکر مدافع حقوق بشر در اسرائیل می‌شنویم که ۶۰ درصد مدیران رسانه‌های پر قدرت آمریکایی را یهودیان تشکیل می‌دهند... خیلی تعجب نمی‌کنیم.

یک قومیت است و خصیصه نژاد پرستی آنان هم از همین امر ناشی می‌شود. یهودیان خود را از نسل اسرائیل می‌دانند و بر اساس کتاب مقدس که گفته است: «پروردگار چنین می‌گوید: اسرائیل پسر نخستین من است» (سفر خروج، آیه ۲۲)، معتقدند که قوم برگزیده خداوند بر روی زمین هستند. آنان در ترویج و تحمیل این عقیده شرک آلود، نژاد پرستانه و برتری طلبانه، تا آنجا پیش رفتند که، به تعبیر قرآن، گفتند: ﴿نحن ابناء الله و احبّاءه﴾. یعنی: ما فرزندان خداوند و دوستان او هستیم. که خداوند، در پاسخ به آنان، می‌فرماید: ﴿فلم یعذبکم بذنوبکم﴾ (مائده ۱۸). یعنی اگر شما به راستی فرزندان خدا هستید، چرا خداوند شما را به کیفر گناهانتان عذاب می‌کند؟! و یا مدعی شدند که در روی زمین فقط ما دوستان خدا هستیم و نه هیچ قومی دیگر. که خداوند در پاسخ به آنان، به پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

﴿قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون الناس فتمتوا الموت ان کنتم صادقین﴾ (جمعه ۶۰)

بگوا یهود اگر ایمان دارید که شما دوستان خدا هستید و نه مردم دیگر، آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گوئید.

و خداوند در ادامه همین آیه شریفه می‌فرماید: اما آنان به خاطر اعمالی که از پیش مرتکب شده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد. (همان، ص ۳۴)

تاریخ گواهی می‌دهد که یهودیان این خوی و خصلت نژاد پرستانه و برتری طلبانه خود را در دوره‌های مختلف تاریخی، در هر جا که حضور یافته‌اند، به نمایش گذاشته‌اند. آنان بر اساس تعالیم تورات تحریف شده و به ویژه، تلمود، که سند اصلی نژاد پرستی یهود است، همواره اقوام دیگر را فاقد حقوق انسانی تلقی کرده و به خود اجازه داده‌اند که هرگونه رفتار غیر انسانی را با اقوام ملل دیگر روا دارند. در تلمود، به صراحت آمده است: «اسرائیلی در نزد خداوند بیش از ملائکه محبوب و معتبر است. اگر غیر یهودی یک یهودی را بزند، چنان است که به عزت الهی جسارت کرده است و جزای چنین شخصی جز مرگ چیز دیگری نیست و باید او را کشت.» تلمود این نگاه تبعیض آمیز و نژاد پرستانه را تا آنجا ادامه می‌دهد که می‌گوید: «همچنان که انسان بر حیوان فضیلت دارد، یهود بر اقوام دیگر فضیلت دارد.» و یا معتقد است که «نطفه‌ای که از غیر یهود منعقد می‌شود، نطفه اسب است»، و یا «خانه غیر یهود به منزله طویله است.» (همان، ص ۳۵)

بر اساس همین نگرش است که در تلمود به یهودیان اطمینان داده شده است که «اگر یکی از اجانب را بکشیم، مثل این است که در راه خدا قربانی کرده ایم.» یا در تلمود آمده است: «اگر یک نفر یهودی کمکی به غیر یهود بکند گناهی نابخشودنی مرتکب شده است.» و این که «تعدی به ناموس غیر یهود مانعی ندارد، زیرا کفار مثل

حیوانات هستند و حیوانات را زناشویی نیست.» اگر یهودیان در طول تاریخ به زراندوزی، مال پرستی و ربا خواری شهرت یافته‌اند، به این دلیل است که در تلمود به آن‌ها گفته شده است که «ربودن اموال دیگران به وسیله ربا مانعی ندارد، زیرا خداوند شما را به گرفتن ربا از غیر یهود امر می‌فرماید.» یا می‌گوید: «به کسانی که یهودی نیستند قرض ندهید مگر این‌که نزول بگیرند، در غیر این صورت، قرض دادن به غیر یهود جایز نیست و ما ماموریم که به آنان ضرر بزنیم.» (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶-۱۰۲)

ب. تهدیدهای اسرائیل بر علیه کشورهای خاورمیانه

به طور کلی تهدیدهای اسرائیل بر ضد خاورمیانه را می‌توان شامل تهدیدات سخت نظامی، اقتصادی و تهدیدات نرم سیاسی، فرهنگی دانست که در ذیل به طور جداگانه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱. تهدیدهای نظامی:

مهم‌ترین دغدغه سردمداران اسرائیل، حفظ امنیت به مثابه یک منفعت حیاتی است. کوشش برای افزایش امنیت، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های رژیم اسرائیل و یکی از اولویت‌های پایه‌ای سیاست خارجی آن‌ها است. برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی، تقویت توان نظامی و دفاعی، جست‌وجوی متحد، بستن پیمان‌های نظامی و همراهی با نظام امنیت جمعی، همه برای دستیابی به چنین هدفی است. (www.farsnews.ir)

به طور سنتی تهدیدهای نظامی در کانون تهدیدات اسرائیل قرار دارد. اهمیت تهدیدهای نظامی در آن است که این تهدیدها می‌تواند امنیت و بقای کشورها را به طور اساسی به خطراندازد. تهدیدهای نظامی اسرائیل هم می‌تواند عامل مهمی در تهدید امنیت منطقه قلمداد شود. از لحاظ تسلیحات متعارف و تسلیحات هسته‌ای، اسرائیل برترین قدرت نظامی در منطقه خاورمیانه، و یکی از کشورهای پیشرفته دنیاست که به پشتیبانی‌های نظامی گسترده آمریکا نیز متکی است. انگیزه اصلی دولت اسرائیل از افزایش قدرت نظامی، ترس دائمی و احساس ناامنی است. احساس خطر و ترس دائمی همواره سیاست‌های امنیتی اسرائیل را شکل داده و منشاء اصلی سیاست‌های نظامی گرایانه این کشور بوده است. بر اساس استراتژی سنتی امنیت، اسرائیل تا زمانی می‌تواند به صلح امیدوار باشد که همسایگان عرب این کشور از برتری نظامی آن مطمئن باشند. (www.tebyan.net)

قدرت نظامی اسرائیل در منطقه را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بحث قرار داد، در اینجا ابتدا عواملی که تهدیدهای نظامی اسرائیل در منطقه را تقویت می‌کند مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده تهدید نظامی اسرائیل بر ضد کشورهای منطقه به خصوص دولت‌های هم‌مرز با آن مثل سوریه و لبنان، حضور نظامی و استراتژیک آمریکا در منطقه پس از تسخیر عراق می‌باشد و روابط استراتژیک اسرائیل با آمریکا و حمایت‌های وسیع نظامی و تبلیغاتی آمریکا از آن کشور، ضریب تهدیدهای امنیتی اسرائیل را به شدت افزایش می‌دهد. بی‌تردید بخش عمده توان نظامی و برتری‌های تکنولوژیک اسرائیل در سایه روابط آن کشور با آمریکا تأمین می‌گردد. رژیم اسرائیل به بهانه ایجاد امنیت در کمربند شمالی چندین بار به جنوب لبنان حمله نظامی کرده و بخش‌هایی از خاک این کشور را تصرف نموده است.

در مورد تسخیر عراق و نقش آن در افزایش ضریب تهدید امنیتی اسرائیل نیز، دو دیدگاه وجود دارد دیدگاه اول با تأکید بر این که با سقوط رژیم صدام، موازنه قوا به نفع اسرائیل تغییر یافته است، وقایع اخیر را کاملاً به نفع اسرائیل می‌داند اما «پیروز مجتهدزاده» از منظر دیگری سقوط صدام حسین را به ضرر اسرائیل می‌داند، چرا که دیگر کسی نیست که مثل صدام به این کشور خدمت کند؛ زیرا از این پس کشورهای مخالف و دشمن با اسرائیل یعنی عراق و همسایگانش، با یکدیگر درگیر نخواهند شد و این خدمت را به اسرائیل نخواهند کرد.

با وجود این تحلیل می‌توان گفت که حداقل در کوتاه مدت شکل‌گیری ساختار منطقه‌ای جدید از لحاظ توازن قدرت به نفع اسرائیل است و این موضوع علاوه بر این که تا حدی ناشی از سقوط رژیم صدام و تسخیر عراق از سوی آمریکا است، بلکه بیشتر به دلیل حضور نظامی آمریکا در منطقه است که بر اهمیت تهدیدهای نظامی اسرائیل بر ضد امنیت خاورمیانه می‌افزاید.

حضور صهیونیست‌ها در عراق طیف وسیعی از مقولات از جمله در قلمرو مسائل امنیتی، نظامی، تسلیحاتی، اقتصادی، تجاری، نفتی و جاسوسی را دربرمی‌گیرد. نقش اسرائیل در عراق به قدری آشکار است که اطلاع‌رسانی در این مقوله به صفحات روزنامه‌های عراق و منطقه نیز کشیده شده است. روزنامه عراقی «البینه الجدیده» درباره نقش دلان اسرائیلی جهت تأمین اسلحه برای اشغالگران به افشاگری پرداخته و تصریح می‌کند بخش اعظم دلان اسلحه که موفق به دریافت سفارشات از اشغالگران عراق می‌شوند اسرائیلی هستند که با حمایت آشکار و نهان مراکز تصمیم‌گیرنده در پنتاگون به معاملات پرسود اسلحه دست پیدا می‌کنند.

ابعاد حضور اسرائیل در عراق فقط به جهات امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و تسلیحاتی محدود نمی‌شود بلکه بخش قابل توجهی از حضور اسرائیل تحت پوشش فعالیت‌های عمرانی در جهت بازسازی عراق صورت می‌گیرد که نیروهای اطلاعاتی اسرائیل با سو

استفاده از همین فرصت‌ها به عراق سرازیر شده‌اند و در تاروپود شبکه گسترده اشغالگران در عراق رخنه کرده‌اند و از همین فرصت‌های طلائی برای تامین اهداف استراتژیک اسرائیل در عراق و سایر کشورهای منطقه همچون ایران، سوریه، یمن.. استفاده می‌کنند. مسئله بسیار مهم دیگر که نقش تهدیدهای نظامی اسرائیل را به شدت افزایش می‌دهد، تسلیحات هسته‌ای اسرائیل است. مقام‌های اسرائیل بر این عقیده بوده و هستند که در شرایط حاکم بر خاورمیانه، تنها راه بقای آنان، برتری مطلق تسلیحاتی، بویژه در حوزه تسلیحات هسته‌ای است. اهمیت تسلیحات هسته‌ای و برتری مطلق در این زمینه برای اسرائیل به قدری زیاد است که مقامات این کشور در این باره به صورت کاملاً عریانی بحث می‌کنند:

مرشه آرنز در این مورد می‌گوید. «در خاورمیانه آنچه که آینده قدرت‌های حاکم در این منطقه را تعیین می‌کند، زور و اسلحه است که در این میان رای و دیدگاه مردم هیچ اهمیتی ندارد.» (کاکابی، ص ۶)

بر اساس ارزیابی کارشناسان نظامی اسرائیل، اصلی‌ترین تهدیدی که از جانب کشورهای چون ایران می‌تواند متوجه این کشور باشد، استفاده آنان از موشک‌های دوربرد است که می‌تواند کلاهک‌های هسته‌ای، شیمیایی و یا میکروبی را نیز حمل کند. بنابراین به لحاظ مسلح بودن اسرائیل به تسلیحات هسته‌ای، این رژیم از لحاظ نظامی به طور بالقوه تهدید بزرگی برای خاورمیانه محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر این رژیم برای جلوگیری از دستیابی ایران به دانش هسته‌ای به اقدامات مختلفی دست می‌زند این اقدامات، خود می‌تواند به طور مستقل از ابعاد مختلف امنیت ملی، کشورهای منطقه را در معرض تهدید قرار دهد چنانچه گفته می‌شود: «سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی «موساد»، دارای فهرست کاملی از دانشمندان علوم هسته‌ای منطقه است که به دوبرخش شامل «افرادی که باید تصفیه شوند» اسرائیل در ترور دانشمندان اتمی و یا از بین بردن تلاش کشورهای اسلامی و عربی برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای، ید طولایی دارد. که ترور پروفسور مسعود علی محمدی دانشمند برجسته هسته‌ای ایران در دیماه ۸۸ یکی از آن موارد می‌باشد. و «افرادی که باید زیر نظر قرار گرفته شوند» تقسیم شده‌اند.^۱ (جدیدبناب ۱۳۸۲، ص ۳۳۵)

۱. سازمان جاسوسی «موساد» با تشدید عملیات جاسوسی و با تمرکز بر روی شناسایی دانشمندان اتمی و استادان دانشگاه‌های عراق تا کنون دستکم ۵۵۰ دانشمند عراقی را به قتل رسانده است. ماهنامه «آتلانتیک مانسلی» طی گزارشی با اشاره به روندی که رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از دستیابی عراق به سلاح اتمی و ترور دانشمندان عراقی طی کرده، پیش بینی کرد اگر بن بست هسته‌ای ایران همچنان ادامه یابد، اسرائیل راه حل عراق را در مورد ایران پیاده خواهد کرد و گزینه حمله مخفیانه به میان خواهد آمد. (www.terror-victims.com)

در این زمینه و در مورد انواع اقدام رژیم صهیونیستی در مورد جلوگیری از برنامه‌های هسته‌ای ایران می‌توان سناریوهای مختلفی را پیش‌بینی کرد؛ یکی از محتمل‌ترین سناریوها و گزینه‌های اسرائیل در این امر، حمله هوایی به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. این اقدام رژیم صهیونیستی می‌تواند آثار ضد امنیتی گسترده‌ای برای کشورهای خاورمیانه داشته باشد. از لحاظ سابقه تاریخی، اسرائیل تاسیسات هسته‌ای عراق را در جریان جنگ عراق و ایران مورد حمله قرار داده است، بنابراین احتمال وقوع آن را در مورد ایران نباید منتفی دانست. (www.tebyan.net)

پیروز مجتهدزاده در این باره می‌نویسد: رژیم صهیونیستی بارها پیشنهاد حمله به ایران و سقوط دولت این کشور را مطرح کرده است... چرا که سقوط ایران موازنه سیاسی در منطقه را به نحو وحشتناکی به نفع اسرائیل تغییر می‌داد. (مجتهدزاده، ص ۹)... در چنین موقعیتی کشور برتر در غیاب یک موازنه قوا وسوسه می‌شود تا تجاوز را دائمی و جاودانه سازد و تلاش کند تا اهداف و جاه‌طلبی‌های خود را به بهای اهداف همسایگانش محقق سازد». (رحیمی ۱۳۸۱، ص ۴۷)

۲. تهدیدهای اقتصادی:

اسرائیل علاوه بر تهدیدات نظامی می‌تواند تهدیدهای اقتصادی مختلفی را متوجه کشورهای خاورمیانه کند، به طور کلی در استراتژی امنیت ملی اسرائیل (به ویژه در سال‌های اخیر)، قدرت اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. «شیمون‌پرز» در گفت و گو با گروهی از متخصصان در سال ۱۹۸۹ ادعا کرد که اندازه یا قدرت ارتش اسرائیل نیست که قدرت کشور را تعیین می‌کند، بلکه موقعیت‌های علمی و تکنولوژیکی آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، با تاکید بر این که در دنیای امروز اقتصاد مهم‌تر از استراتژی است. (اینبار ۱۳۷۶)

اسرائیل به دلیل امکانات و تمهیدات گسترده خود و نیز حمایت‌های گسترده مالی و سیاسی امریکا مطمئن است که هرگونه همکاری‌های مشترک اقتصادی با اعراب، سلطه اقتصادی این رژیم را در پی خواهد داشت.

اگر رژیم اسرائیل در آینده به تحقق رویاهای اقتصادی خود بر خاورمیانه موفق شود، به سبب برتری این رژیم بر اعراب، انجام هر نوع همکاری مشترک میان دو طرف سرانجام به نفع قوی‌تر تمام خواهد شد و کشورهای عربی و اسلامی همه مؤسسات کنونی خود را از دست خواهند داد؛ همچنین ترتیبات کاملاً جدید که با خاورمیانه جدید نیز متناسب

است، جایگزین ترتیبات گذشته خواهد شد و انرژی برق، کارشناسی، تجهیزات کشاورزی و سایر نیازهای خود را ناگزیر باید از راه رژیم صهیونیستی تأمین کنند.

راهکارهای رژیم صهیونیستی در تحقق سلطه و سیطره اقتصادی

راهکارهای اقتصادی صهیونیسم که در قالب پروتکل‌هایی از سوی ثئوریسین‌های صهیونیستی مطرح شده است، استراتژی‌های اقتصادی کلان صهیونیسم را تشکیل می‌دهد (ساداتی نژاد ۱۳۷۵) اجرای چنین سیاستی در چارچوب اندیشه خاورمیانه‌ای جدید، مستلزم تقویت طرح سازش اعراب با اسرائیل است. از سویی وجود وضعیت بحرانی در جهان عرب، زمینه را برای پیاده‌کردن استراتژی صلح خاورمیانه‌ای فراهم می‌آورد.

رژیم صهیونیستی در طرح «بهره‌های اقتصادی صلح خاورمیانه» خود، چند هدف را دنبال می‌کند:

۱. ایجاد شرایط روانی لازم پس از امضای موافقتنامه صلح با اعراب برای نفوذ تدریجی به بازار کشورهای عربی.
۲. بسیج نیروهای فنی و تخصصی این رژیم در زمینه‌های کشاورزی، نیرو، بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی، مخابرات، هتل‌سازی، راه‌سازی، احداث نیروگاه‌های آبی و حرارتی برای اشغال بازار کار اعراب.
۳. صرفه‌جویی در هزینه‌های جنگی برای بازسازی اقتصاد رژیم صهیونیستی.
۴. بازسازی خط لوله نفت حیفا در اراضی اشغالی به زرقاء در اردن.
۵. تشکیل بازار مشترک عربی — اسرائیلی با هدف حفظ برتری تجاری رژیم صهیونیستی. (هانی زاده ۱۳۷۴)

۳. تهدیدهای سیاسی و تبلیغی

امروزه سیطره صهیونیسم بر رسانه‌های فراگیر جهان، امری انکارناپذیر است. هدفی را که «راشورون»، خاخام یهودی، در سال ۱۸۶۹ در شهر «پراگ» مبنی بر لزوم سیطره کامل یهود بر رسانه‌های جمعی جهان اعلام کرد در حال محقق شده است او معتقد بود: پس از طلا، دستگاه‌های خبررسانی به ویژه مطبوعات دومین ابزار صهیونیست برای استیلا بر جهان است؛ بنابراین از همان آغاز با برنامه‌ریزی‌های دقیق، حساب شده و صرف هزینه‌های کلان، تلاش بی‌وقفه‌ای را برای به‌دست گرفتن جریان‌های اصلی خبررسانی و مطبوعات در سرتاسر دنیا آغاز کردند و هم اکنون به هدف خود دست یافته‌اند. وابستگی بزرگترین رسانه‌های خبری دنیا، همچون: خبرگزاری

رویت، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، شبکه‌های A.B.C، N.B.C، C.B.S و نشریات معتبری همچون: نیویورک تایمز، واشنگتن پست، تایمز، دیلی اکسپرس و صدها عنوان نشریه دیگر به لابی صهیونیست‌ها، حاصل همان تلاش‌های پیگیرانه قوم یهود است. صهیونیست‌ها به شیوه‌های مختلف از طریق ساختن فیلم‌های سینمایی، تبلیغات تجاری، شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیونی و... در صدد این هستند که اعراب را چهره منفی و کثیف برای بشر معرفی کنند؛ بنابراین در تبلیغات منفی ضد آنان، ایشان را افرادی خوش گذران، شهوت ران، عیاش، کثیف و... به جهان بشر معرفی می‌کنند این اقدام در واقع، توطئه‌ای از سوی صهیونیست‌ها است تا از یک طرف اعمال غیر انسانی خویش را ضد اعراب، به ویژه مردم مظلوم فلسطین توجیه و از طرف دیگر، بین مسلمانان عرب و غیر عرب تفرقه ایجاد کنند، تا به این وسیله بتوانند به اهداف و منافع سیاسی خویش دست یابند. (جدیدبناب ۱۳۸۲، ص ۳۴۸)

ساخت فیلم‌هایی چون: «جن‌گیر»، «طالع نحس»، «لورنس عربستان»، «شب‌های عربی»، «دلتافورس»، «محاصره» و هزاران هزار فیلم دیگر در پی القای این تفکر نحس گام برداشته است که مسلمانان انسان‌های خرافی و عقب مانده‌ای هستند که باید از سوی کشورهای متمدنی و فرهیخته‌ای همچون آمریکا مورد مدیریت قرار گیرند و در غیر این صورت، چیزی جز فقر و فلاکت عایدشان نخواهد شد! و این بدبختی‌ها نه تنها دامان خودشان را خواهد گرفت، بلکه موجبات دردسر برای کشورهای متمدنی را نیز ایجاد خواهد کرد. (شریف زاده، ۲۹۷)

از دید آمریکایی‌ها تهدید نرم علیه کشورهای اسلامی فراتر از مرزهای جغرافیایی بلکه مرزهای فکر، اندیشه و فرهنگ ملت‌ها است که با قبضه کردن باورها، ایدئولوژی و جهان‌بینی با کمترین هزینه کشورهای اسلامی را می‌تواند تسخیر کند. (ماه پیشانیان ۱۳۸۶، ص ۶۵).

در حال حاضر شاید مهم‌ترین و بالفعل‌ترین تهدیدهای اسرائیل بر ضد کشورهای منطقه به خصوص ایران، لبنان، سوریه، تهدیدهای سیاسی و تبلیغی است. در واقع مثلث آمریکا، انگلیس و صهیونیسم برای مقابله و مهار خاور میانه اسلامی، راهبرد نرم افزاری را در دستور کار خود قرار دادند.

مثلث مذکور تلاش کرد با تمرکز فعالیت‌های خود در حوزه بازیگران مؤثر در تشکیل خاورمیانه اسلامی و تحت فشار قرار دادن تمامی حرکت‌های اسلامی، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، آن‌ها را با شکست مواجه سازد و مانع از شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی گردد. به همین منظور در حوزه فلسطین، تمام توان خود را برای تشکیل دولت

حماس به کار گرفت پس از شکست در این پروژه، تلاش کرد ضمن وارد آوردن فشارهای شدید اقتصادی و سیاسی از یک سو، دولت فلسطینی را وادار به رسمیت شناختن رژیم اشغال‌گر - برخلاف وعده‌های انتخاباتی حماس - نماید و از طرف دیگر با ایجاد و گسترش اختلاف بین حماس و سایر گروه‌های فلسطینی، به خصوص فتح، علاوه بر کم رنگ کردن حرکت‌های جهادی، موجبات سقوط حماس را فراهم کند.

در حوزه لبنان نیز خلع سلاح و به انزوا کشیدن حزب الله در صحنه داخلی در دستور کار قرار گرفت، فاز اجرایی دستیابی به این هدف، با ترور رفیق حریری طی پروژه‌ای موسوم به ۱۴ آذر که طراح اصلی آن موساد بود آغاز شد و امریکا تلاش کرد با بهره‌گیری از این موضوع، از یک طرف با متهم کردن سوریه به دست داشتن در ترور، ارتش این کشور را وادار به عقب‌نشینی از خاک لبنان نماید و از سوی دیگر با این ادعا که حزب الله، وابسته به سوریه است، موضع این گروه را در لبنان تضعیف و با استفاده از نفوذ خود در برخی گروه‌های مخالف حزب الله و فعال کردن گسل‌های سیاسی و فرقه‌ای در لبنان، طرح انقلاب مخملی را در این کشور با برگزاری تظاهرات علیه این جنبش و مطالبه خلع سلاح آن به اجرا در آورد. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی به گسترش اقدامات اطلاعاتی و شبکه‌های تروریستی برای حذف سران حزب الله مبادرت ورزید. (Esposito ۲۰۰۲)

در حوزه سوریه، پس از موفقیت امریکا در وادار کردن این کشور به عقب‌نشینی از خاک لبنان، در مرحله اول، تلاش گردید سناریوی عبدالخلیم خدام که سعی داشت با استفاده از اپوزیسیون داخلی سوریه و شبکه‌های زیرزمینی زمینه سقوط دولت بشار اسد را فراهم کند، به اجرا در آید. پس از شکست طرح براندازی نرم، امریکا تلاش نمود با افزایش فشار سیاسی و متهم کردن سوریه به دخالت در امور داخلی عراق و لبنان، این کشور را وادار به تغییر رفتار نماید.

در حوزه عراق نیز امریکا تلاش کرد با استفاده از فعال کردن گسل‌های قومی و فرقه‌ای و افزایش موج حرکت‌های تروریستی، به هر شکل ممکن، مانع از تشکیل دولت ائتلافی شود. با وجود تمامی اقدامات ذکر شده برای مقابله با خاورمیانه اسلامی، تلاش امریکا برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی با بهانه قرار دادن موضوع فن‌آوری هسته‌ای را می‌توان مهم‌ترین قسمت راهبرد مقابله و مهار خاورمیانه اسلامی قلمداد کرد. پروژه‌ای که با ارسال پرونده ایران به شورای امنیت، تشدید فشارها را مدنظر قرار می‌داد. (معین‌الدینی ۱۳۸۷)

یکی از تهدیدهای تبلیغی رژیم صهیونیست، که دراستای راهبرد «ایران هراسی» و

«اسلام هراسی» اسرائیل و آمریکا است، بزرگ‌نمایی تهدیدهای امنیتی ناشی از ایران است. این رژیم همواره سعی کرده است، ایران را بزرگ‌ترین تهدید امنیتی خود و منطقه معرفی کند. در حالی که ایران عملاً در لایه‌های سوم تهدیدهای امنیتی اسرائیل قرار دارد مقامات این رژیم همچون شیمون پرز، جمهوری اسلامی ایران را بزرگ‌ترین تهدید این کشور تلقی می‌کنند. (اینبار ۱۳۷۶، ص ۴۲)

البته علت این بزرگ‌نمایی تا حدی روشن است چرا که اسرائیل وجود خود را با وجود دشمن تعریف می‌کند. در واقع تحقق بسیاری از اهداف داخلی و بین‌المللی اسرائیل مستلزم وجود یک دشمن خارجی است که اسرائیل با تبلیغات خود ایران را به عنوان دشمنی برای خود معرفی می‌کند.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که اسرائیل به شدت از لحاظ تبلیغی بر آن متمرکز شده است، تبلیغ در مورد تلاش ایران برای رسیدن به تسلیحات هسته‌ای است. پرز وزیر امور خارجه سابق اسرائیل، تهدیدهای عمده علیه اسرائیل را ناشی از ترکیبی از سلاح‌های هسته‌ای و اسلام افراطی بیان کرده است، بنابراین جمهوری اسلامی ایران که براندازی و ترس و وحشت را تعیین کرده و در پی دسترسی به قدرت هسته‌ای است، دشمن اصلی اسرائیل است. اسرائیل برنامه‌های هسته‌ای ایران را نه تنها تهدیدی برای خود بلکه برای کل منطقه و اخیراً برای کل جهان قلمداد می‌کند. وزیر خارجه فعلی اسرائیل «سیلوان شالم» در این باره می‌گوید: «ایران نه تنها خطری برای منطقه است که تمامی جهان را تهدید می‌کند. ایران که اکنون تمامی توان خود را برای رسیدن به سلاح‌های هسته‌ای بکارگرفته، قادر است اروپا را نیز تهدید کند و اکنون مناطق جنوب روسیه نیز در معرض تهدید ایران قرار دارند.» (انتخاب، ۸۲/۴/۳۱، ص ۳-۱) محور دیگر تهدیدات تبلیغی اسرائیل بر ضد ایران، القای نقش ایران در کندی فرایند صلح در خاورمیانه است. در تبلیغات اسرائیل مخالفت ایران با صلح خاورمیانه به نحوی تبلیغ می‌شود که می‌تواند دلیلی برای ناکامی این مذاکرات محسوب گردد و جملات به نحوی ادا می‌شود که بین این دو مورد، ارتباط علی و معلولی به ذهن متبادر می‌شود، مثلاً: «بدیهی است که استمرار مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه و شکست احتمالی این جریان اثر بسیار مخربی بر امنیت منطقه خواهد داشت» (امیری، ص ۲۰)

۴. حربه‌های فرهنگی

از آنجا که هر فرهنگ برای گسترش و بالندگی خود نیاز به خرده فرهنگ‌هایی دارد، در دنیای کنونی، اگر اسلام به عنوان یک فرهنگ در مقابل فرهنگ غربی و آمریکایی قرار گرفته باشد، در سطح کوچک تر مذاهب مختلف و از آن جمله مذهب شیعه، خرده

فرهنگ‌های آن دین بزرگ محسوب می‌شوند، مذهب شیعه که با عقبه فرهنگی عمیق، به خاندان عصمت و طهارت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ و فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام می‌رسد، به عنوان یک تفکر انقلابی در مقابل ظالمان و ستمگران و تفکر و فرهنگ غربی و آمریکایی ایستاده است و در قالب گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی در کشورهای مختلف از جمله ایران، عراق، لبنان، بحرین و یمن متبلور شده است که در بعضی از این کشورها از جمله ایران، این جنبش‌ها در قالب حکومت‌ها، تفکر شیعی را به جهانیان عرضه داشتند و در برخی دیگر از کشورها نظیر لبنان، تفکر شیعی در قالب یک جریان قوی اجتماعی ظاهر شده که عرصه را بر تفکر غربی، آمریکایی-اسرائیلی تنگ کرده و به عنوان یک مانع اصلی در اجرای طرح‌های آمریکایی در منطقه در آمده است. «تعبیر غده سرطانی به اسرائیل از طرف امام خمینی ﷺ و طرح شعار نابودی اسرائیل چالش جدی را پیش روی صهیونیست‌ها قرار داد و به حرکت فلسطینی‌ها شتاب بیشتری بخشید». (محمدی، مولانا ۱۳۸۸: ۱۶۸) و اسرائیل با حربه‌ها و شیوه‌های مختلف در پی از بین بردن این مانع است که برخی از آن‌ها را مرور می‌کنیم:

الف. برجسب تروریسم

اسرائیل به همراه آمریکا به منظور مقابله با اسلام، پیاده شدن دمکراسی در منطقه خاورمیانه را به ریشه کنی تروریسم، آن هم به قول خودشان تروریسم مذهبی می‌داند. بر اساس این که، کشورهای در محدوده خاورمیانه بزرگ اکثریت مسلمان می‌باشند، و در دین اسلام، مفاهیم مقدّسی، مانند: جهاد و شهادت وجود دارد، و مسلمانان بر اعتقادات دینی خود پای بند هستند، و پای بندی به آن، موجب شکل گیری مبارزات علیه دشمن خود می‌شود، و انجام عملیات‌های شهادت طلبانه و...، اسلامی است که آمریکا و اسرائیل و... در جهت مقابله با آن ذلیل و خلع سلاح شده‌اند، لذا منشأ تروریسم را مفاهیم مذهبی دانسته و مرکزیت آن را، خاورمیانه قلمداد می‌کند، و تنها راه خلاصی از این خطر بزرگ برای خویش و اربابانش را، نفوذ در فرهنگ و سست کردن اعتقادات مردم منطقه بر می‌شمرد و در این باره، از هرگونه تلاش در جهت تحقق طرح خاورمیانه بزرگ دریغ نمی‌کند، چرا که تغییر فرهنگ دینی مردم منطقه، روحیه استکبار ستیزی (آمریکا) و اسرائیل ستیزی را از بین خواهد برد، و آمریکا و اسرائیل راحت می‌توانند به غارت منابع منطقه بپردازند، (پگاه حوزه ۱۳۸۴/۷/۷)

در همین راستا، آمریکا در پروژه دی.دی.آر (DDR) علیه جهان اسلام، فرآیند خلع سلاح، بسیج‌زدایی و مقاومت‌زدایی را در دستور کار خود قرار داده تا انگیزه افراد برای پیوستن به نیروهای مقاومت در جامعه را از بین ببرد. (amniatenarm.blogfa.com)

فرانسیس فوکویاما معتقد است «کشورهای خاورمیانه هم از نظر زیرساخت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک با کشورهای (چون آلمان، ژاپن و کره جنوبی) کاملاً تفاوت دارند و هم موضوع بنیادگرایی اسلامی جایگاه ویژه‌ای در میان مردم منطقه خاورمیانه دارد. بنابراین تزریق اصلاحات غرب در این منطقه با چالش‌های اساسی روبه‌رو است.» (Hawthorn ۲۰۰۴) و از طرفی، با تسلط بر منطقه به لحاظ موقعیت استراتژیکی و دارا بودن قسمت عمده منابع مورد نیاز صنعت غرب و اروپا، از شکل‌گیری قطب‌های قدرت دیگر، چون روسیه، چین، اتحادیه اروپا و... جلوگیری می‌کند.

ب. استفاده از حربه بنیادگرایی برای سلطه فرهنگی

یکی از محورهای عمده تهدیدهای فرهنگی - تبلیغی اسرائیل بر ضد ایران، مسأله بنیادگرایی اسلامی و طرفداری جمهوری اسلامی ایران از آن می‌باشد اسرائیل این مسئله را در سطح منطقه‌ای، همواره به عنوان تهدیدی از سوی ایران نسبت به دیگر کشورهای اسلامی منطقه معرفی کرده است. در تبلیغات اسرائیل و همفکران آن کشور، بنیادگرایی تهدید مشترکی برای همه کشورهای منطقه است که از ایران نشأت می‌گیرد. این تبلیغات علاوه بر کشورهای عربی، به کشورهای آسیای میانه نیز منتقل شده است. (www.tebyan.net)

پاک کردن هویت دیگر جوامع برای تحمیل فرهنگ کشورهای محور به ویژه امریکا، از جلوه‌های منفی یکتایی فرهنگی است. به گفته محمود اعادة، یکی از روشنفکران عرب «جامعه عرب تحت تهاجم فرهنگ همبرگر قرار دارد و وسایل نوین تهاجم، غذا و تغییر عادت‌های غذایی اعراب را در پی دارد.» (کرانی، ص ۱۷۴) به اعتقاد ایشان تحول در عادت‌های غذایی با دیگر تغییرات در قشر بندی اجتماعی و افزایش شکاف اجتماعی پیوند دارد. محمد عابد الجبري استاد فلسفه مراکشی معتقد است: «جهانی شدن به معنی نبود شدن دیگری است و برای هویت‌ها یا ارزش‌های متفاوت احترامی قایل نیست.» (همان) زبان عربی، اردو، فارسی و ترکی نیز از سوی سلطه فزاینده زبان انگلیسی به عنوان زبان جهانی سازی، در حال رنگ باختن است.

شاید بتوان جهانی شدن فرهنگ به مثابه نیرومندترین اهرم در دستان کشورهای شمال را از خطرناکترین تهدیداتی دانست که به معنای تحمیل فرهنگ یک ملت قوی و غالب بر دول ضعیف و مغلوب و به عبارت روشن‌تر، تحمیل فرهنگ سکولار مصرف‌گرایانه و سکس‌مدارانه امریکایی بر همه جهان به ویژه کشورهای اسلامی، بوسیله رسانه‌های تبلیغاتی صوتی و تصویری و شبکه اطلاعاتی اینترنت می‌باشد. از جمله نمودهای واگرایانه آن در خاورمیانه می‌توان: ترویج فرهنگ مصرف کالاهای تولید غرب،

ترویج فرهنگ اباحی‌گری و کمرنگ شدن ارزش‌ها و غیرت دینی، اشاعه فرهنگ زنا و مجاز دانستن استمتاع زن از مرد و مرد از زن بدون هیچ قید و شرطی، فراگیر کردن فرهنگ صلحی که به معنای تأیید بی‌چون و چرای امریکا و اسرائیل در منطقه است را نام برد. (www.intizar.ir) کمرنگ کردن ارزش‌های اسلامی در خاورمیانه و القا امکان انتخاب دین‌های گوناگون به عنوان صراط‌های مستقیم از تاکتیک‌های دیگری است که طراحان طرح خاورمیانه بزرگ بدان تمسک می‌کنند.

ج. سیطره بر مراکز علمی و فرهنگی

صهیونیسم با نفوذ وسیطره بر سینماهای جهان، اهداف خود را در قالب فیلم‌های احساسی و به وسیله هنرپیشه‌های معروف و زبردست بر جهانیان القا می‌کند؛ به ویژه در این فیلم‌ها تبلیغات منفی و نا جوانمردانه ضد اسلام و مسلمانان اعراب به شکل گسترده‌ای قابل مشاهده است. این اعمال صهیونیست‌ها در عرصه سینما و عرصه‌های دیگر، وظیفه مسلمانان و اعراب را سنگین می‌کند که به خود آیند و برای دفاع از حقانیت خویش واکنش‌های لازم و منطقی را در برابر صهیونیست‌ها از خود نشان دهند. (جدیدبناب ۱۳۸۲، ص ۱۱۶)

صهیونیست‌ها با تسخیر مراکز علمی - فرهنگی، در وهله اول، توجه خود را معطوف مراکز علمی - تربیتی خویش کردند و سرمایه‌گذاری اساسی را در این زمینه به عمل آوردند تا بتوانند نسل نوجوان و جوان را به نحو مطلوب بر اساس خواسته‌های خویش تربیت کنند و در وهله دوم، کوشش خویش را بر کنترل مراکز علمی غیر یهودی معطوف می‌سازند تا به این طریق، هم اقدام‌های صورت گرفته ضد صهیونیست را کنترل کنند و هم سمپاشی تبلیغاتی ضد اسلام و اعراب را در این مراکز حساس در سر تا سر جهان با تمام قوا عملی سازند. (همان، ص ۱۵۰)

اگر پذیرفته باشیم که عنصر صهیونیستی در جریان‌های سیاسی امروز جهان، عنصر تعیین کننده است و پشتوانه عظیم از یک تاریخ تجربه توطئه و دسیسه در پشت دارد، و اگر بدانیم که بزرگ‌ترین شرکت‌های انتشاراتی جهان و وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات و سینما و رادیو و تلویزیون و موسسات خبری و تشکیلات بین‌المللی در زمینه‌های گوناگون علمی و ادبی، عموماً در اختیار صهیونیست‌ها است و خیل عظیمی از فراماسون‌ها و متخصصان، دانشگاه‌ها و سازمان‌های تربیت کننده متخصص، کارگزار سیاست‌های آن‌ها هستند، آن گاه باید به یک حقیقت تلخ و وحشتناک اقرار کرد و آن این که مردم دنیا با یک فاجعه عظیم فرهنگی و مسخ روحی و روانی روبه رو هستند. (همان، ص ۱۳۱)

صهیونیست‌ها به دلیل اهمیت کتاب‌های دینی و آموزشی، و اهمیت فوق‌العاده آن در تربیت فکری و روحی کودکان و نوجوانان و جوانان، توجه بسیاری به آن دارند؛ به طوری که بر تعلیمات ابتدایی، دانشگاهی و... کنترل و تسلط کامل یافته‌اند. (همان، ص ۱۴۲)

د. نفوذ به درون رسانه‌های عربی

از روش‌های مهمی که صهیونیست‌ها در برنامه نفوذ فرهنگی از آن بهره می‌گیرند استفاده از رسانه‌های عربی و اسلامی است که در خلال آن این رژیم در عادی‌سازی روابط خود با کشورهای عربی و اسلامی و کم نمودن خصومت و حساسیت مسلمانان نسبت به صهیونیست‌های غاصب دارد. در این میان برخی از مدیران رسانه‌های عربی، از خود پلی جهت تحقق طرح عادی‌سازی، ساخته‌اند و این به خاطر روابط مشکوک آنان با صهیونیست‌ها و یا ناشی از فقدان فهم صحیح آنان است.

طی سال‌های گذشته، بعضی از شبکه‌های تلویزیونی مستقیمی اقدام به برپایی ملاقات و مصاحبه با نخست وزیران رژیم صهیونیستی نموده و آن را به‌طور مستقیم از سوی ایستگاه‌های تلویزیونی خود پخش نمودند، به‌علاوه با انتشار مصاحبه‌های جذاب با شخص نخست‌وزیر اسرائیل از برخی خطوط قرمز پا را فراتر نهادند، مانند آنچه که روزنامه الحیات چاپ لبنان و یا روزنامه الشرق چاپ قطر در مصاحبه با اسحاق رابین انجام دادند و نیز کسانی که این روزنامه‌ها را به جهت ابتکار صحیح‌شان، شایسته تمجید دانستند. (الشرق ۴/۲۹/۱۹۹۴)

هـ. هجوم از طریق نشست‌ها و همایش‌ها

دامنه مساله از آنچه گفته شد گسترده‌تر است، یکی از نخبگان فرهنگی عرب اقدام به برگزاری نشست‌های دوستی با اهالی فرهنگ اسرائیل نموده است. از جمله در ماه نیسان سال ۱۹۹۶ میلادی سمیناری برگزار شد که در آن ۳ تن از نویسندگان مصری، یعنی لطفی الخویی، احمد عبدالحلیم و تحسین بشیر و نیز ۱۴ نفر از صهیونیست‌ها که همه آنان دارای مناصب حساس دیپلماسی در اسرائیل بودند حضور داشتند و به بحث درباره ارتباط فرهنگی بین اعراب و صهیونیست‌ها پرداختند. (الحیات ۴/۲۰/۱۹۹۶)

مورد دیگر، همایشی بود که توسط سازمان یونسکو در روزهای ۱۹ الی ۲۱ ماه ایلول سال ۱۹۹۴ میلادی در تونس برگزار شد و در آن همایش، نویسنده معروف صهیونیستی، سامی میخائیل حضور داشت و در کنار او، گروهی از نویسندگان عرب که همواره پیرامون نقش صهیونیست‌ها در نهضت جهان عرب مطالبی نوشته‌اند نیز حضور داشتند. افرادی چون طاهرین جلون، امیل حبیبی، طیب صالح، الیاس خوری، صلاح

ستیتة، کمال ابودیوب، محمد براده، یونس بنیس، توفیق بکار، جمال الغیطانی، صنع‌الله ابراهیم و مالک علولة. (النهار ۱۰/۱/۱۹۹۴)

یک مورد دیگر اقدام روزنامه‌نگاران بدون مرز در برپایی سمینار آزاد به مناسبت سالگرد امضای پیمان صلح بین سازمان آزادیبخش فلسطین و رژیم صهیونیستی در روزهای ۲۵ تا ۲۷ ماه کانون دوم، در ۱۹۹۴ میلادی بود که تحت عنوان «روزنامه‌ها و صلح» برگزار شد. در این سمینار برخی از روزنامه‌نگاران مصری، اردنی، لبنانی، اسرائیلی و جمعی از نمایندگان روزنامه‌های اروپایی حضور داشتند و کار خود را با صدور بیانیه‌ای به پایان رساندند که در این بیانیه به موارد زیر اشاره شده بود:

(الف) صلح تنها راه‌حل برای آینده خاورمیانه!

(ب) ضرورت رخنه کردن طرح صلح در میان جوامع عربی و اسلامی و تبلور آن به‌عنوان امری اجتناب‌ناپذیر

(ج) حمایت مردمی جهت آغاز طرح صلح

(د) تلاش مشترک در راه از بین بردن رکود و ناکامی در این عرصه

(ه) راه‌اندازی مراکز اطلاع‌رسانی در منطقه خاورمیانه برای تبادل اخبار و آگاهی‌ها.

و. سنت‌گرایی عربی صهیونیست‌ها

از روش‌هایی که صهیونیست‌ها در جهت حربه فرهنگی خود از آن استفاده می‌کنند، تجلیل از برخی نقاط بارز فرهنگی جهان عرب است. هدف از این کار برطرف نمودن برخی موانع فرهنگی فی‌مابین است تا از شدت حساسیت موجود نزد افکار عمومی مسلمانان نسبت به رژیم صهیونیستی به‌عنوان غده‌ای سرطانی در منطقه کاسته شود. به‌عنوان مثال در زیر چند مورد از فعالیت‌های این رژیم در این زمینه را مشاهده می‌کنید:

(۱) مراسم بزرگداشت جبران خلیل جبران، ادیب معروف عرب، که در سفارت اسرائیل برگزار گردید که در این مراسم گفت و گوهای زیادی پیرامون این شاعر، شعرها و کتاب‌ها و فعالیت‌های ادبی او صورت گرفت. (نداء الوطن ۴/۱۰/۱۹۹۴)

(۲) فراهم کردن امکان سفرهای فرهنگی به اسرائیل، برای نویسندگان عرب و اجرای برنامه‌های عربی در تل‌آویو با همکاری مشترک وزارت اطلاع‌رسانی مصر و وزارت فرهنگ اسرائیل.

(۳) افتتاح تعدادی قهوه‌خانه به روش عربی در نقاط مختلف اروپا توسط صهیونیست‌ها و پذیرایی از میهمانان و مشتریان در این قهوه‌خانه‌ها، با خوراکی‌های عربی.

ز. تأسیس کانون‌های سیاسی - فرهنگی

تأسیس مراکز فرهنگی که به امور سیاسی می‌پردازند از مهم‌ترین عناصر جهت فعالیت صهیونیست‌ها در مبارزه با اسلام به‌شمار می‌آید زیرا این‌گونه مراکز در آماده‌سازی شرایط لازم جهت دستیابی صهیونیست‌ها به اهداف خود نقش بسزایی دارد. مجله «المجتمع» چاپ کویت، گزارش حساسی از آمار تعداد موسسات و مراکز فکری را منتشر نمود که تعداد آن‌ها در سال‌های اخیر به‌شدت افزایش یافته است. این مراکز به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم با اسرائیل مرتبط هستند و هدف همه آن‌ها ایجاد روابط و ارتباطات فرهنگی بین صهیونیست‌ها و اعراب است و اکثر این مراکز بعد از پیمان مادرید در سال ۱۹۹۱ میلادی ایجاد شده‌اند.

از مهم‌ترین و خطرناکترین این موسسه‌ها در این عرصه موسسه‌ای است تحت عنوان: «اقدام برای صلح و همکاری در خاورمیانه: «گفت و گو پیرامون زمینه‌های مشترک» که تعداد زیادی از افراد سیاسی معروف آمریکا مانند آلفرد استون که فعلاً منصب ریاست موسسه را برعهده دارد، هارولد ساندرز، فیستر کروکور، ریچارد مورفی، دورف ناخم (جانشین سابق قائم مقام وزیر دفاع آمریکا) و ۲۵ نفر دیگر از اسرائیل و اعراب در آن عضو هستند. (المجتمع ۱۰/۵/۱۹۹۴) این گزارش به‌طور واضح از طرح‌های فرهنگی مشترک آمریکا و صهیونیست‌ها با رویکرد تهاجم فرهنگی غرب بر ضد اسلام پرده برمی‌دارد.

۵. تشدید اختلافات بین کشورهای منطقه

اسرائیل نمی‌خواهد میان جهان عرب و جهان اسلام نظام منسجم و تکامل‌یافته‌ای وجود داشته باشد، حتی آن رژیم نمی‌خواهد بین کشورهای اسلامی نیز چنین روابطی برقرار باشد؛ بلکه یکی از هدف‌های این رژیم این بوده است که کشورها و دولت‌هایی در منطقه پدید آید که هیچ‌گونه ارتباطی میان آن‌ها نباشد و مصالح فردی آن‌ها نیز با یکدیگر ارتباطی نداشته‌باشد؛ زیرا اسرائیل امنیت خود را تنها در گرو پیوند دادن مصالحش با مصالح تمامی نظام‌های منفعل موجود در منطقه می‌بیند. (www.farsnews.com)

اولین حرکت دشمن در راستای اجرای این طرح، به ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی اختصاص یافت. در این رابطه با سعی فراوان دشمن گروه‌های افراطی را تقویت نمودند، تا دیدگاه مخاطب را نسبت به اسلام واقعی بدبین نمایند. گروه‌هایی چون سلفی‌ها، وهابی‌ها، طالبان، القاعده و... که میزان اختلافات را به بدترین شکل خشونت یعنی اقدامات تروریستی، انفجارات مختلف، عملیات انتحاری علیه مسلمانان شیعه و سنی در کشورهای پاکستان، افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، یمن، عربستان،... و بخشی از ایران را به مرحله اجرا گذاشته و از این طریق به اختلافات دامن زدند. با توجه به شواهد و

قراین بسیار این اقدامات تحت هدایت سازمان‌های جاسوسی سیا، موساد و انتلیجنت سرویس انجام پذیرفته است. همگام با عملی کردن طیف تهدیدات نیمه سخت مبادرت به ایجاد اختلاف از طریق مبانی و مباحث دینی و مذهبی نیز نموده و با صدور فتاوا علیه دیگر مذاهب به این اختلافات صحنه گذاشتند.

در این خصوص رهبر معظم انقلاب اسلامی تدابیر و دیدگاه‌های ویژه‌ای دارد که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. حضرت ایشان می‌فرمایند:

در گستره‌ی جهان اسلام، تفرقه‌ی مذهبی یکی از توطئه‌هایی است که شکست خوردگان در منطقه به اجرا درمی‌آورند. برادران مسلمان باید نسبت به هرگونه سخن یا کاری که به اجرای این توطئه کمک کند، کاملاً مواظب و از آن برحذر باشند. امریکا در منطقه‌ی خاورمیانه، حتی نسبت به دولت‌هایی که سال‌های سال متحدش بوده‌اند، نیز وفادار نمی‌ماند. زیرا جز به منافع خود و منافع دست‌پرورده‌اش - اسرائیل - نمی‌اندیشد. لذا هیچ‌کس، چه سنی و چه شیعه و چه هر قومیتی در منطقه، نباید به وابستگی خود به امریکا امیدی ببندد. ترساندن سنی از هلال شیعی، هراساندن شیعه از تندروی تکفیری‌ها نیز ترساندن دولت‌ها از نیروی هسته‌ای جمهوری اسلامی، و جدا کردن جمهوری اسلامی از همسایگانش، همه و همه از استراتژی‌های سیاست امریکا و بریتانیا است. همه‌ی ما باید در سطح بالایی از آگاهی قرار داشته باشیم و به دام آن‌ها نیفتیم. و همچنین ایشان در رابطه با ایجاد اختلاف در کشورهای مختلف می‌فرمایند: «سعی دشمن این است؛ فلسطینی‌ها در مقابل فلسطینی‌ها؛ در عراق هم عراقی‌ها در مقابل عراقی‌ها. این را باید همه مواظب و مراقب باشند. امروز اتحاد، مهم‌ترین نیاز مردم فلسطین است مثل بقیه‌ی مناطق عالم.» (همان)

به هر حال، اسرائیل یکی از تهدیدهای مهم علیه خاورمیانه است که کشورهای منطقه برای دفاع در مقابل این تهدیدها باید تدابیر اساسی را در پیش بگیرند در شرایط فعلی یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای دفع تهدیدهای اسرائیل، علاوه بر جلوگیری از تاثیرگذاری این رژیم، ایجاد موضعی هماهنگ با جهان اسلام، در مقابل اسرائیل است. فقدان یکپارچگی در جهان اسلام - درباره مسئله فلسطین - و تفاوت بسیار زیاد نگرش ایران با دیگر کشورهای اسلامی، می‌تواند موجب ضعف جهان اسلام و به ویژه ایران در قبال تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی شود؛ در حالی که جبهه متحد در برابر تهدیدهای اسرائیل می‌تواند تا حد زیادی آن کشور را در انزوا و موضع انفعال قرار دهد با این دیدگاه خاورمیانه نه تنها، امنیت منطقه‌ای خود را در مقابل تهدیدهای امنیتی اسرائیل محفوظ می‌دارد، بلکه با ذخیره‌سازی نیروهای خود برای آینده، تدریج‌گرایی را در رسیدن به آرمان‌های اسلامی خود سرلوحه استراتژی امنیت خود قرار می‌دهد.

نتیجه

در این مقاله سعی شده است تا روشن گردد که اسرائیل ورهبران آن همواره در پی توسعه‌طلبی، تعرض، جنایت، زیاده‌خواهی و سلطه و سیطره بر ملت و دولت کشورهای منطقه بوده است. در استراتژی امنیت ملی صهیونیست‌ها حفظ قدرت و توانایی غیر متعارف (به ویژه اتمی)، سیاست‌های تهاجمی به جای تدافعی، انتقال جنگ از قلمروی خودی به خاک دشمن و حمله پیش‌گیرانه در صدر سیاست آن‌ها قرار دارد. (دهقانی ۱۳۸۰، ص ۹)

به هر حال، اسرائیل به عنوان یکی از تهدیدهای مهم برای کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود اسرائیلی‌ها بر این عقیده‌اند که نه تنها بقا و دوام آن‌ها در سایه تاکید بر حفظ یک نیروی نظامی مقتدر (میلیتاریسم) و مجهز به جنگ افزارهای پیشرفته همراه با سیاست غیر شفاف اتمی آن‌ها در محیط امنیتی غیر دوستانه خاورمیانه تامین شده و برایشان امنیت به ارمغان آورده، بلکه باعث شده است بیشتر کشورهای عرب ناخواسته وجود اسرائیل را در منطقه بپذیرند (هلر ۱۳۷۹، ص ۲۹-۲۸) البته ماهیت تهدیدات اسرائیل بر علیه کشورهای منطقه در دو سطح سخت و نرم مورد بررسی قرار گرفت که تهدیدات سخت اسرائیل در حال حاضر (در حوزه نظامی) بیشتر شامل حال کشورهای هم مرز با آن مانند سوریه، لبنان، مصر، اردن.. می‌باشد اما در زمینه اقتصادی سیاست توسعه طلبانه اسرائیل به ویژه با فرصت مناسبی که در آغاز دهه ۱۹۹۰ در منطقه با حضور آمریکا مهیا شد تهدیدات این رژیم شکل جدی تری در جهت سلطه اقتصادی بر کل منطقه به خود گرفت اما در زمینه تهدیدات نرم که در حال حاضر شاید مهم‌ترین و بالفعل‌ترین تهدیدهای اسرائیل بر ضد کشورهای منطقه به خصوص ایران، لبنان، سوریه،... باشد که در حوزه‌های فرهنگ اجتماعی سیاسی با ابزار رسانه و تبلیغات صورت می‌گیرد که می‌توان نمونه بارز آن را نقش فعال رژیم اسرائیل در اغتشاشات بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۸ ارزیابی کرد. در پایان می‌توان گفت فراگیر بودن دین مقدس اسلام و ایدئولوژیک بودن منطقه خاورمیانه، موقعیت ژئواستراتژیک، برخورداری از ۶۰٪ ذخایر انرژی جهان، جمعیت قابل توجه، بهره‌مند بودن از فن‌آوری‌های پیشرفته و... این بلوک اسلامی را به یکی از بازیگران اصلی در صحنه بین‌الملل تبدیل می‌نماید که دیگر بلوک‌های قدرت را کاملاً تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و در واقع شکل‌گیری خاورمیانه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی به منزله یک بلوک قدرت‌مند، نظم هژمونیک مبتنی بر سلطه آمریکا و اسرائیل را بر منطقه را منتفی می‌سازد.

منابع:

- ۱- افتخاری اصغر، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
- ۲- افتخاری اصغر، معمای امنیت عمومی، درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه در مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های امنیت عمومی و پلیس. تهران: دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۴.
- ۳- افتخاری اصغر، کالبد شکافی تهدید، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۵.
- ۴- امیری مجتبی. ایران - آمریکا، نگاهی دیگر. ن اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۶ - ۹۵.
- ۵- اینبار افریم، «خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل»، سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۲، بهار ۷۶.
- ۶- برودسکی زمان، حقایق درباره صهیونیسم، ترجمه‌ی کاوه گراوند و د. شیرازی، تهران: نشر گام ۱۳۵۷.
- ۷- جدید بناب علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
- ۸- حسینی شیرازی سید محمد، دنیا بازیچه یهود، ترجمه سید هادی مدرسی، اصفهان: نشر حجت، چاپ دوم ۱۳۷۹.
- ۹- دوست محمدی احمد، «ریشه‌های ایدئولوژیکی و تاریخی شکست طرح صلح خاورمیانه»، فصلنامه سیاست، سال ۳۷، شماره ۳۷، ۱۳۸۶.
- ۱۰- دهقانی محمود، «سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در فضای نوین منطقه‌ای: تبعات و پیامدها»، فصلنامه مطالعاتی سیاست خارجی، شماره ۱۰، پاییز ۸۰.
- ۱۱- رحیمی علی، «اسرائیل و بحران عراق؛ منافع و چالشها». نگاه، شماره ۳۲ اسفند ماه (۱۳۸۱).
- ۱۲- رنجبر مقصود. «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». پژوهشکده مطالعات راهبردی، (۱۳۷۸).
- ۱۳- رنجبر مقصود، «تهدیدات اسرائیل علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.
- ۱۴- ساداتی نژاد، سید مهدی، «پیدا و پنهان در استراتژی رژیم صهیونیسم»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵/۱۰/۱۰.

- ۱۵- شریف‌زاده رامین، «هالیوود و فرهنگ‌سازان شیطانی»، کتاب نقد، شماره ۳۲.
- ۱۶- طاهایی، سیدجواد. «اسماعیل علیه السلام یا اسحاق علیه السلام مطالعه‌ی تطبیقی درباره نگرش‌های تاریخی صهیونیسم و انقلاب اسلامی». نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۸ (بهار ۱۳۷۷)
- ۱۷- عبدالله خانی علی، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۸- کاکابی سیامک. «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد». فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم شماره ۴۰.
- ۱۹- کرانی بهجت، حافظیان محمد حسین، «جهانی شدن و تحلیل سیاست خارجی در خاورمیانه»، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۱۳۸۱، ۳۱.
- ۲۰- ماه‌پیشانیان مهسا، «راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه عملیات روانی، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرهنگی و مقاومت، سال پنجم، شماره ۱۸. ۱۳۸۶.
- ۲۱- متقی ابراهیم. «اسرائیل و بحران عراق؛ منافع و چالشها». نگاه، شماره ۳۲ اسفند ماه ۱۳۸۱.
- ۲۲- محمدی، منوچهر، مولانا، سید حمید، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
- ۲۳- مجتهدزاده، پیروز. «جهان در سالی که گذشت». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال چندم؟ شماره ۱۸۸ - ۱۸۷.
- ۲۴- مختاری مجید «تهدیدهای امنیتی اسرائیل» نگاه، شماره ۱۷.
- ۲۵- معین الدینی جواد. حبیب الله ابوالحسن شیرازی، «تقابل خاورمیانه اسلامی با خاورمیانه بزرگ» فصلنامه علوم سیاسی شماره ۴۱
- ۲۶- مطهری مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۱۷، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
- ۲۷- نائینی علی محمد، «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه ج.ا.ایران» فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۵، ۱۳۸۸.
- ۲۸- نویهض عجاج، پروتکل‌های دانشوران صهیون، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- ۲۹- هانی‌زاده حسن، «راهبرد صهیونیست‌ها برای اشغال اقتصادی خاورمیانه»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۷/۲۷.
- ۳۰- هلر مارک، تداوم و تغییر در سیاست اسرائیل، ترجمه حیدر علی بلوچی، تهران: اندیشه باب، ۱۳۷۹.
- ۳۱- همایون‌پور هرمز، ترس، امید و پیشداوری، تهران: کتابسرا، ۱۳۵۴.
- ۳۲- انتخاب. ۸۲/۴/۳۱ سی و یکم تیر ماه ۱۳۸۲.

- ۳۳- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۸/۴/۱
- ۳۴- پگاه حوزه: هفتم آبان ۱۳۸۴، شماره ۱۷۰
- ۳۵- روزنامه «الشرق» چاپ کشور قطر، ۱۹۹۴/۴/۲۹
- ۳۶- روزنامه «الحیات» چاپ لبنان، ۱۹۹۶/۴/۲۰
- ۳۷- مجله «المجتمع» چاپ کویت، شماره ۹۹، ۱۹۹۴/۵/۱۰
- ۳۸- روزنامه «النهار» ۱۹۹۴/۱۰/۱
- ۳۹- روزنامه «نداء الوطن» ۱۹۹۴/۱۰/۴
- ۴۰- Nye, Jr. Joseph S., "Propaganda Isn't the Way: Soft Power" The International Herald Tribune, January ۱۰, ۲۰۰۳
- ۴۱- Joseph S. Nye, Soft Power: the Means to Success in World Politics, New York: Public Affairs, ۲۰۰۴.
- ۴۲- Kelly Paul, "Soft option for hard heads", The Weekend Australian, June ۸, ۲۰۰۲
- ۴۳- Esposito, J. L. (۲۰۰۲) Unholy War: Terror in the Name of Islam, New York: Oxford University Press.
- ۴۴- Hawthorn Amy, "MIDDLE EASTERN Democracy: Is Civil Society the Answer", Carnegie Paper, No. ۴۴. PDF. Carnegie Endowment for International Peace. ۲۰۰۴
- ۴۵- <http://amniatenarm.blogfa.com/post-۶۵.aspx>
- ۴۶- <https://www.aftab.ir/articles/politics/world/c۱c۱۲۰۵۲۳۱۰۷۸p۱.php>
- ۴۷- http://www.arnet.ir/?lang=fa&state=showbody_news&row_id=۱۰۶۹۳
- ۴۸- http://www.shareh.com/persian/magazine/uloum_s/۰۵/۳۶.htm
- ۴۹- www.intizar.ir/vdcgry۹w۴ak۹q.pra.html
- ۵۰- www.terror-victims.com
- ۵۱- www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۷۱۱۰۲۱۳۹۷